

جایگاه معماری مسکن در سبک زندگی اسلامی و مدرن^۱

رضا قدردان قراملکی^۲

فرزین حق پرست^۳

پریسا هاشمپور^۴

چکیده

مسکن به عنوان ظرف زندگی انسان، رابطه تنگاتنگی با اخلاق و سبک زندگی دارد؛ تامین بسیاری از نیازهای مادی و معنوی، جهت‌گیری سبک زندگی و ویژگی‌های اخلاقی، در خانه اتفاق می‌افتد. در خانه‌های سنتی جایگاه معماری در سبک زندگی مورد توجه دانش دینی و معماری قرار گرفته بود و معماری خانه، نشان‌دهنده سبک زندگی و ارزش‌های اخلاقی جامعه اسلامی بود. امروزه با توجه به هجوم سبک زندگی غربی، نیاز به بحث درباره چگونگی استفاده از انسان‌شناسی اسلامی در مولفه‌های عینی زندگی از جمله سبک زندگی و معماری بیش از پیش احساس می‌شود. در این مقاله بعد از مرور مفاهیم، به تعریف دو نگاه متفاوت به نقش معماری مسکن در سبک زندگی دینی و مدرن پرداخته شده است. سپس با مقایسه تطبیقی بین چهار مورد از خانه‌های دوره قاجار و پهلوی، این دو نگاه به صورت عینی و به عنوان مویید مورد بررسی قرار گرفته اند. با ورود سبک زندگی مدرن به ایران، معماری اسلامی و ارزش‌های اخلاقی در مسکن رو به افول نهاده و جای خود را به معماری مدرن و سکولار داده و دیگر ارزش‌های اخلاقی که در سبک زندگی اسلامی و معماری خانه‌های سنتی اثرگذار بودند، مد نظر قرار نگرفتند. معماری خانه در دوره پهلوی تحت تاثیر سبک زندگی مدرن قرار گرفت و فضاهای خانه نه بر اساس ارزش‌های اخلاقی، بلکه بر اساس امکانات مالی و مصرف‌گرایی شکل گرفته است؛ در حالی که فضاهای خانه سنتی، بر اساس مولفه‌های سبک زندگی اسلامی از جمله اخلاق، معماری می‌شدند و زندگی مومنان را برای ساکنان تسهیل می‌کردند.

واژگان کلیدی

اخلاق در معماری، سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی مدرن، خانه ایرانی، معماری مسکن.

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری رضا قدردان قراملکی با عنوان «جایگاه سبک زندگی در سیر تحول معماری خانه (مطالعه موردی: خانه‌های قاجاری و پهلوی تبریز)» است که با راهنمایی دکتر فرزین حق پرست و دکتر پریسا هاشم پور در دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام شده است

۲. دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: R.ghadrdan@tabriziau.ac.ir

۳. دانشیار معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

Email: F.haghparsat@tabriziau.ac.ir

۴. دانشیار معماری، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

Email: P.hashempour@tabriziau.ac.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۴/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۲۲

طرح مسأله

اخلاق و رفتار نقش مهمی در تنظیم رابطه انسان‌ها را با یکدیگر، با طبیعت، با معماری و ساخته‌های دست انسان و به صورت کلی با هستی در قلمروهای مختلف معنوی و مادی حیات دارد. اخلاق به عنوان یکی از مهم‌ترین مولفه‌های سبک زندگی بر معماری اثرگذار است؛ ضمن اینکه یک شیوه معماری به خصوص نیز ممکن است بر سبک زندگی و اخلاق افراد حاضر در آن بنا اثر بگذارد. با وجود اهمیت و گسترش مطالعات مختلف پیرامون موضوعات اخلاق و سبک زندگی، در جامعه ما همچنان بحث درباره تأثیرات آن بر جنبه‌های مختلف زندگی از جمله معماری کمتر مورد توجه قرار گرفته است. امروزه با توجه به هجوم و گسترش سبک زندگی غربی، نیاز به بحث درباره چگونگی استفاده از انسان‌شناسی اسلامی در مولفه‌های عینی زندگی از جمله سبک زندگی، اخلاق و معماری بیش از پیش احساس می‌شود. در انسان‌شناسی اسلامی، انسان خلیفه خداوند بر روی زمین بوده و جهان هستی به عنوان مکان زندگی او در نظر گرفته شده است. به همین دلیل انسان بایستی سبک زندگی و معماری خود را با توجه به تعریف اسلامی از انسان و مبانی و المان‌های دینی و معنوی اصطیاد نماید تا بتواند محیط و فضاهای زندگی خود را متناسب با عنوان خلافت الهی بسازد. در گذشته ارتباط بین معماری و انسان‌شناسی دینی در معماری سنتی ایران به خصوص در معماری خانه‌های مسکونی وجود داشته است و بسیاری از ارزش‌های اخلاقی مد نظر اسلام در معماری خانه رعایت می‌شده است. در واقع معماری خانه تا دوره قاجار، با وجود سپری کردن سیر تغییر و تحول، به زعم اکثر متخصصان معماری، دارای نوعی وحدت رویه و بر اساس تعریف اسلامی از انسان بوده است؛ اما از این دوره به بعد، به سبب آشنایی با فرهنگ مغرب‌زمین و نفوذ تعاریف غربی و مادی از انسان، تقابل معماری سنتی با معماری غرب شکل گرفت.

مطالعات مختلفی پیرامون موضوعات اخلاقی، سبک زندگی و ارتباط میان این مفاهیم تا کنون انجام گرفته، اما کاربرد آن در شئون ملموس زندگی از جمله معماری، و به خصوص معماری مسکن، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با وجود اینکه ارزش‌های معماری سنتی و خانه‌های سنتی ایران مورد قبول اکثر کارشناسان حوزه معماری می‌باشد، اما اکثر خانه‌های امروزی با توجه یا به تقلید از مسکن غربی و بر اساس سبک زندگی مدرن ساخته می‌شود. هدف این پژوهش بررسی نقش مطالعات سبک زندگی اسلامی و اخلاق کاربردی بر شکل و فرم معماری خانه‌های سنتی ایران با تأکید بر مفهوم سبک زندگی اسلامی می‌باشد. در زمینه اخلاق می‌توان به چهار نوع رویکرد اخلاق توصیفی، اخلاق هنجاری، فرا اخلاق و اخلاق کاربردی اشاره کرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۸)؛ اخلاق کاربردی نوعی از اخلاق هنجاری است که در

حوزه‌های خاصی در زندگی فردی و اجتماعی کاربرد دارد (فرامرز قراملکی، ۱۳۹۰: ۱۷۲). فرض بر این است که معمار مسلمان ایرانی در گذشته خانه را بر اساس سبک زندگی اسلامی و مولفه‌های اخلاقی طراحی و معماری می‌کرده است و همین علت تمایز میان خانه‌های سنتی و خانه‌های مدرن می‌باشد. با توجه به جنبه‌های نوآورانه موضوع مقاله، نمی‌توان از موارد مشابهی که با رویکرد یکسان به موضوع سبک زندگی (مدرن و اسلامی) در معماری خانه در ایران پرداخته باشند، سخن گفت. به همین دلیل پیشینه پژوهش در دو قسمت پیشینه عام و پیشینه خاص بررسی شده است:

در پیشینه عام، مقالات و کتب با موضوع کلی سبک زندگی بررسی شده اند. سبک زندگی مدرن در نظریات جامعه‌شناسان و روان‌شناسان غربی بسیاری مورد بحث قرار گرفته است؛ از میان جامعه‌شناسان می‌توان به نظریات «مساله مصرف» وبلن (۱۸۹۹)، «آثار شهرنشینی در ارتباط با مصرف» زیمِل (۱۹۰۰)، «الگوی خرید» لیزر (۱۹۶۳)، نظریه بوردیو (۱۹۷۹)، «الگوی مصرف» یاسرمن (۱۹۸۳)، «تغییرات سبک زندگی» اینگلهارت (۱۹۹۰)، «سبک زندگی و هویت شخصی» گیدنز (۱۹۹۱) و «میدان مصرف فرهنگی» چانی (۱۹۹۶) اشاره کرد. از بین روان‌شناسان نیز آلفرد آدلر (۱۹۵۶)، کرت آدلر، لومباردی (۱۹۹۶)، لیدا سیچر، الکساندر مولر، سوفیا دوریس، آنتونی بروک، اروین وکسبرگ، الکساندر نور، ریچمن (۲۰۰۱)، آسباخر (۲۰۰۲) و دیگران به موضوع سبک زندگی پرداخته‌اند. در حیطه فرهنگ‌شناسی می‌توان به «ساخت اجتماعی واقعیت» پیتر برگر (۱۹۷۲)، «نقش دین در زندگی روزمره مردم انگلیس» تیموتی (۱۹۹۹)، «اهداف هدایت‌شده زندگی» بوسنیتز (۲۰۰۳) و «رابطه فرهنگ و زندگی روزمره» اینجلس (۲۰۰۵) اشاره کرد. در بین پژوهشگران ایرانی تلاش‌های بسیاری صورت گرفته تا سبک زندگی اسلامی به صورت منسجم و مدون تعریف و بررسی شود؛ شاخص‌ترین تحقیقات صورت گرفته در این زمینه عبارتند از: «مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی» مهدوی‌کنی (۱۳۷۶)، «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی» اباذری و چاوشیان (۱۳۸۱)، «سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن» کاویانی (۱۳۹۱)، «رویکردی میان‌رشته‌ای به سبک زندگی با نگاهی به جامعه ایران» ابراهیم‌آبادی (۱۳۹۲)، «سبک زندگی براساس آموزه‌های اسلامی» فاضل قانع (۱۳۹۲)، «امکان سنجی تحقق سبک زندگی دینی (اسلامی) در جامعه ایران» حاجیانی (۱۳۹۳)، «بازتبیین سبک زندگی در گستره روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اسلام» مهدی‌زاده (۱۳۹۷) و

در پیشینه خاص ابتدا موضوع معماری خانه و سپس جایگاه سبک زندگی در آن مورد بررسی قرار گرفت. محمدرضا حائری مازندرانی (۱۳۹۵) در کتاب «خانه، فرهنگ، طبیعت در معماری ایران» با تمرکز بر معماری به عنوان سازماندهی آگاهانه فضا، سعی در شناسایی سازمان‌یابی فضا

در خانه‌های ایرانی و معیارهای آن دارد. آموس راپاپورت (۱۳۸۸) در کتاب «انسان‌شناسی مسکن» فصلی را به عوامل اجتماعی-فرهنگی و شکل خانه اختصاص داده است. در باب معماری خانه در دوره‌های قاجار و پهلوی می‌توان به مقاله‌های «گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی بافت قدیم شهر مشهد از اواخر قاجار تا اوایل پهلوی اول» نوشته مرتضی فرح‌بخش و همکاران (۱۳۹۶)، «مهمان در خانه: یک بررسی تطبیقی میان ایران و غرب در آستانه دوران مدرن» نوشته مسعود ناری قمی و محمدجواد عباس‌زاده (۱۳۹۳)، «الگوی نوین از دستور زبان شکل در معماری خانه امروز، نمونه موردی: خانه‌های مجموعه‌ای قاجاری شهرهای تبریز و تهران» نوشته کیانوش حسنی و ویدا نوروز برازجانی (۱۳۹۷)، «شفافیت در معماری خانه‌های قاجاری شهر تبریز» نوشته حمیدرضا حیدریان و همکاران (۱۳۹۳)، پایان‌نامه «سیر تحول معماری مسکن تهران در دوران پهلوی» بهروز جانی‌پور (۱۳۷۹) و پایان‌نامه «بررسی تاثیر کالبد خانه‌های دوره پهلوی اول اصفهان در تعاملات اجتماعی ساکنان» نوشته سمیه خانی (۱۳۹۱) اشاره کرد. پژوهش‌های فوق اکثراً به بررسی کالبد و معماری خود خانه پرداخته و پژوهش حاضر از حیث پرداختن به موضوع سبک زندگی و رابطه آن با معماری مسکن در دو نوع سنتی و مدرن جدید می‌باشد.

۱. چهارچوب نظری

سبک زندگی از مفاهیم نسبتاً جدیدی است که هم در جامعه‌شناسی و هم در روان‌شناسی مبنا دارد. همچنین اکثر پژوهشگران حیطه سبک زندگی ضمن اذعان به نقش پررنگ دین و باورهای اعتقادی در تشکیل سبک زندگی، عقاید فرد و جامعه را از عوامل مؤثر در شکل‌گیری سبک زندگی در جامعه می‌دانند (بهزاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۲۴). سبک زندگی در جامعه‌شناسی یک مفهوم کلی شامل باورها، ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری در نظر گرفته می‌شود؛ ولی سبک زندگی در روان‌شناسی با تمرکز بر الگوهای رفتاری ملموس تعریف می‌شود. آقای گیدنز سبک زندگی را مجموعه‌ای از عملکردها می‌داند که انسان با استفاده از آن‌ها هم نیازهای خود را تأمین می‌کند و هم هویت شخصی خود را در اجتماع منعکس می‌کند (Giddens, 1995, p 81). البته این بدین معنا نیست که فقط سبک زندگی در شکل‌گیری این هویت شخصی تاثیرگذار است؛ ولی می‌توان گفت که سبک زندگی در کنار عوامل دیگر به هویت شخصی شکل می‌دهند؛ آقای بوردیو به برخی از آن‌ها از جمله عادت‌واره، ریختار و سلیقه اشاره کرده است (Bourdieu, 1998, p 8). در تعریفی ملموس‌تر، انواع گوناگون سبک زندگی با روش‌هایی که افراد جامعه، اوقات خود را برنامه‌ریزی و صرف می‌کنند، مشخص و تعریف می‌شود؛ در این تعریف بر رابطه متقابل سبک زندگی با معماری و به خصوص معماری مسکن، که انسان وقت زیادی در آنجا می‌گذراند، تاکید می‌گردد (ونتلینگ، ۲۰۱۳: ۶). این تعاریف نشان می‌دهد که سبک زندگی به

خودی خود دارای اصالت نبوده و نمایشگر فرهنگی یک جامعه است (پهزاد و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۲۴). بنابراین مفاهیم فوق به نوعی تعبیر مختلف با توجه به مقیاس‌های گوناگون زندگی برای مفهوم سبک زندگی می‌باشند.

چگونگی نگاه انسان به هستی و خود انسان، از عوامل موثر بر سبک زندگی می‌باشد. هستی‌شناسی و انسان‌شناسی دو عامل بسیار اثرگذار در شکل‌گیری اهداف، برنامه‌ها و مسیرهای زندگی آدمی می‌باشد. لذا می‌توان بیان کرد که اگر هستی‌شناسی و انسان‌شناسی افراد یک جامعه با آموزه‌های اسلامی انطباق داشته باشد، سبک زندگی آن‌ها نیز به سبک زندگی اسلامی نزدیک‌تر می‌گردد. به صورت کلی نگرش به هستی را می‌توان به دو دیدگاه مکتب الهی و مکتب مادی تقسیم کرد. در مکتب مادی، تمام امور ماوراء ماده، مانند عقول و مجردات، وحی، نبوت و... خرافه پنداشته می‌شود. این تفکر الحادی بعد از عصر رنسانس، مجدداً احیا شده و حتی به افکار برخی از مسلمانان نیز سرایت کرده‌است (جوادی آملی، ۲۰۰۶: ۶۶). طرفداران این مکتب ضمن تأکید بر تجربه و حواس انسان، توجهی به معارف فطری، وحی و... ندارند. عده‌ای از آنان منکر وجود خدا هستند؛ برخی ضمن رد اثبات عقلانی، وجود خدا را فقط در حد تجربه دینی می‌پذیرند. در مکتب الهی، متفکران سعی در شناخت هستی با استفاده از روش‌های مختلفی دارند؛ بدین منظور از تمامی معارف حسی و تجربی، برهان عقلی، شهودی، فطری و وحی استفاده کرده‌اند. نگاه مکتب الهی به نظام هستی، صرفاً مادی نیست و ایشان عالم هستی را به دو قسم کلی مادی و مجرد تقسیم‌بندی می‌کنند.

۲. سبک زندگی مدرن

جهت بررسی سبک زندگی مدرن، ابتدا حوزه مطالعه و بررسی اندیشمندان غربی تقسیم‌بندی شده و با توجه به نظریات موجود، تحت دو دسته جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بررسی می‌شوند. در حوزه جامعه‌شناسی، فقط رفتارها و روحیه جمعی و اجتماعی معیار سبک زندگی است. در حالی که در حوزه روان‌شناسی، به جز رفتارها از ارزش‌ها و نگرش‌ها نیز یاد شده است.

۲-۱. دیدگاه روان‌شناسی

در میان روان‌شناسان، آلفرد آدلر اولین کسی است که بحث سبک زندگی را مطرح کرد، سپس توسط پیروان او گسترش یافت. آدلر از اصطلاح سبک زندگی برای اشاره به حال و هوای زندگی فرد استفاده کرد. از دید وی سبک زندگی شامل هدف، خودپنداره، احساسات و جهان‌بینی فرد می‌باشد (فیست، ۱۳۹۵: ۱۰۹). در تعریف آدلر، سبک زندگی کلیت فردی و مشخص زندگی است که تمام فرآیندهای عمومی زندگی را تحت پوشش دارد (Adler, 1956: 191). یکی از عناصر اصلی سبک زندگی از دیدگاه آدلر، هدف و اندیشه‌های فرد درباره دنیا می‌باشد (عجمین و

همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰). این مفهوم با مفهوم معنای زندگی ارتباط تنگاتنگی دارد، معنای زندگی پاسخی به پرسش علت وجودی انسان و جهان است، حتی وظیفه و هدف انسان در این جهان را نیز در بر می‌گیرد.

روان‌شناسان دیگر سبک زندگی و نگرش‌های اصلی آن، شکل‌گیری آن در دوران کودکی، وظایف اصلی زندگی و تعامل آن‌ها با یکدیگر را به تفصیل بحث کرده و تمام زندگی را به صورت یکپارچه در قالب این درخت زندگی به تصویر کشیده‌اند (کاویانی، ۱۳۹۰: ۲۸). در دیدگاه روان‌شناسی، سبک زندگی خود عمل در موقعیت‌های مختلف است. یک الگوی منظم از علایق و فعالیت‌ها است که مطابق نظر آلفرد آدلر یکتا و منحصر به فرد است. سبک زندگی یک رفتار مشخص نیست، بلکه عاملی مؤثر در شکل‌دهی رفتارهای انسان بوده و می‌تواند سبب ایجاد رفتارهای سازنده یا مخرب شود. ریچمن مولفه‌های هفت‌گانه زیر را برای سبک زندگی که سازگاری و رفاه انسان را تامین کند، ارایه کرد: شوخ طبعی، نگرش مثبت، فعالیت ذهنی، فعالیت جسمی، باهوش و آگاه بودن، اجتماعی بودن، داشتن معنی و هدف فلسفی یا معنوی (Richman, 2001: 422). این مولفه‌ها به طور متقابل از یکدیگر جدا نیستند و در عمل موثرترین سبک زندگی شامل ادغام چندین سبک دیگر است. با آنکه شباهت‌هایی میان سبک‌های زندگی وجود دارد، اما سبک زندگی هر فردی همواره متفاوت از سبک زندگی فرد دیگر است. مثلاً تمام کودکان با پیروی از نوعی الگوی فرهنگی استاندارد، نوشتن یاد می‌گیرند، ولی هر فردی این الگو را به شیوه منحصر به فرد و به سبک خود تغییر می‌دهد.

اریک فروم از مهمترین روان‌شناسان آلمانی، نظریه فروید را که انسان‌ها به صورت انعطاف‌پذیر توسط نیروهای غریزی زیستی شکل نمی‌گیرند، تکمیل کرد. به اعتقاد وی عناصر اجتماعی و فرهنگی بر شخصیت انسان اثر گذاشته و باعث تکامل انسان در طول تاریخ شده‌اند. تعارض‌های شخصیتی نتیجه تنوع جوامعی است که انسان خود آن‌ها را به وجود آورده است. با این حال فروم محکوم بودن انسان به رنج کشیدن را نپذیرفته بود و اعتقاد داشت با آگاهی و تلاش می‌توان مشکلات را حل نمود (کمال مهریزی و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۶). در واقع انسان تنها حیوانی است که می‌کوشد مساله زندگی و بودن خود را حل کند (فروم، ۱۳۷۰: ۵۶). با این وجود هر انسان برای برآورده کردن نیازهای روانی خود، سبک زندگی مختص خود را انتخاب می‌کند. انسان‌های سالم روش‌های متعالی و خلاق را انتخاب می‌کنند و انسان‌های ناسالم، از روش‌هایی نامعقول بهره می‌گیرند. یونگ اعتقاد داشت علاوه بر خودآگاه و ناخودآگاه فردی، بخش دیگری وجود دارد که ناخودآگاه جمعی نامیده می‌شود. ناخودآگاه جمعی حاوی خاطرات و رفتار نژادی است که فرد آن را از گذشتگان به ارث می‌برد. این تجربیات جمعی بشر خود را به شکل کهن‌الگوها در اساطیر، نمادها و رویاها نشان می‌دهند. به گفته یونگ روان انسان مانند یک کره

است که «خود» تمامی کره را تشکیل می‌دهد و منطقه اصلی آن خودآگاه است که «من» در مرکز آن قرار دارد (یونگ، ۱۳۹۵: ۲۴۳). اعتقاد یونگ به معنویت تأثیر عمیقی بر تدوین دیدگاه و نظریه‌اش گذاشت.

جدول ۱. جمع‌بندی دیدگاه‌های روان‌شناسان در ارتباط با سبک زندگی، منبع نگارندگان.

	نظریه پرداز	خلاصه نظریه	کلیدواژه (در ارتباط با سبک زندگی)
۱	آلفرد آدلر	سبک زندگی در سال‌های نخست زندگی ایجاد می‌شود و پس از شکل‌گیری، تغییر آن آسان نخواهد بود.	درخت زندگی (ریشه‌ها، اعتقادات، وظایف).
۲	کرت آدلر	سبک زندگی به عنوان یک کل، دارای اجزایی است که هر یک از این کل اثر می‌پذیرند؛ اما خود این کل، حاصل جمع ساده اجزای خود نیست.	منحصر به فرد. خودارزیابی. قابل اصلاح و در مسیر تکامل.
۳	سوفیا دوریس	سبک زندگی، پاسخ به خصوص هر فرد به تحمل یا کنترل موقعیت‌های مختلف است.	اثربخشی سبک زندگی از شرایط و محیط تا چهل سالگی. نقش قدرت خلاقیت.
۴	هنری آستین	سبک زندگی به عنوان هسته زندگی انسان با ایجاد تأثیری شگرف، چگونگی نگرش و پاسخ وی به چالش‌های زندگی از کودکی تا پیری را تعیین می‌کند.	چگونگی واکنش و پاسخ‌های انسان به چالش‌ها، سازنده سبک زندگی.
۵	ریچمن	سبک زندگی، عمل در موقعیت‌های مختلف است. یکتا و منحصر به فرد است. عاملی مؤثر در شکل‌دهی رفتارهای انسان است.	شوخ طبعی، نگرش مثبت، فعالیت ذهنی و جسمی، آگاهی، اجتماعی بودن، داشتن هدف.
۶	لومباردی	سبک زندگی روشی سازمان یافته و ثابت است که انسان با بهره‌گیری از آن با زندگی به روش خود سازگار می‌شود.	فعال بودن سبک زندگی. سبک زندگی تجلی زندگی فرد.
۷	آنسباخر	سبک زندگی هر فردی همواره متفاوت از سبک زندگی فرد دیگر است. می‌توان ضمن بازبینی الگوها، سبک زندگی را تغییر داده و اصلاح کرد.	وحدت بخش. منحصر به فرد.

کلیدواژه (در ارتباط با سبک زندگی)	خلاصه نظریه	نظریه پرداز	
نیاز به: رابطه، ریشه‌دار بودن، تعالی و خلاقیت، هویت، معیار جهت‌یابی، برانگیختگی، وحدت، موثر بودن.	هر انسان برای برآورده کردن نیازهای روانی خود، سبک زندگی مختص خود را انتخاب می‌کند. انسان‌های سالم روش‌های متعالی و خلاق را انتخاب می‌کنند و انسان‌های ناسالم، از روش‌هایی نامعقول بهره می‌گیرند.	اریک فروم	۸
خودآگاه فردی. ناخودآگاه فردی. ناخودآگاه جمعی.	علاوه بر خودآگاه و ناخودآگاه فردی، بخش دیگری وجود دارد که ناخودآگاه جمعی نامیده می‌شود. اعتقاد به معنویت.	کارل گوستاو یونگ	۹
تنهایی (میان فردی، درون فردی، وجودی). ارتباط با دیگران. ارتباط با خدا.	تنهایی به عنوان یکی از دغدغه‌های وجودی زندگی و جهان هستی، لازمه وجود انسان است. انسان قسمتی از تنهایی را درون خود نگه می‌دارد و قسمت دیگر را از طریق ارتباط برطرف می‌کند.	اروین یالوم	۱۰

۲-۲. دیدگاه جامعه‌شناسی

جامعه‌شناسان با مشاهده ناکارآمدی مفهوم «طبقه» جهت توصیف و تحلیل رفتارهای اجتماعی سراغ مفهوم سبک زندگی و نظریات مرتبط با آن رفتند. تعریفی که از طبقه ارائه شده بود، یک تعریف انعطاف‌ناپذیر بود و انسان را مجبور به پذیرش اقتضائات آن طبقه می‌کرد. پس از آن عمده نظریه‌پردازان طرفدار پلورالیسم، به سمت نظریه الگوی مصرف و فراغت گرویدند و مقوله مصرف در نگاه جامعه‌شناسان، محوریتی برجسته در تبیین مفهوم سبک زندگی پیدا کرد. برخی جامعه‌شناسان به مساله مصرف به عنوان اصلی‌ترین راهبرد سبک زندگی پرداختند. ولبن به جای بررسی منطق سودگرایانه مصرف، دنبال ارایه منطق احترام‌آمیز مصرف بود (Clark, 2003: 48) و ثروت را مبنای منزلت و جایگاه اجتماعی می‌پنداشت. از دیدگاه وی تن‌آسایی و مصرف خودنمایانه را به عنوان شیوه‌هایی برای نمایش توانایی مالی و کسب شهرت و احترام معرفی می‌کند (ولبن، ۱۳۸۳: ۱۲۲). پیر بوردیو بنیان‌های نظری محکمی برای تحلیل پدیده مصرف آورده و با وضع مفاهیم جدید، مدلی برای ارتباط میان طبقه و منزلت بنیان نهاده است. در این میان مفاهیم سه‌گانه منش (عادتواره)، میدان و سرمایه شناخته شده‌تر بوده؛ لکن نظریه بوردیو شامل هفت مفهوم میدان، سرمایه، منش، عمل، نماد، طبقه و قریحه می‌باشد. به اعتقاد گیدنز در جامعه جدید دیگر سنت راهنمای عمل قرار نمی‌گیرد و توانایی ایجاد

هویت شخصی را برای افراد ندارد. تغییر اصلی این جامعه، در تجربه زندگی روزمره و هویت اتفاق افتاده و مدرنیته با تمرکززدایی از سنت، شیوه زندگی را از شیوه گذشتگان جدا کرده است (گیدنز، ۱۳۸۸: ۶۲). در جوامع اولیه، افراد هویت خود را از گروه می گرفتند و از این رو، بسیار همگن بودند؛ اما در جوامع مدرن فرآیند هویت فردی شده است. بزرگترین مشکلات زندگی مدرن نیز حفظ خودمختاری و فردیت در کلان شهر می باشد (زیمل، ۱۳۷۲: ۵۳). گمنامی یکی از مهمترین پیامدهای زندگی کلان شهری است. این گمنامی «موجب پیدایش نیاز به تمایز شخصی و راهی برای متمایز ساختن خویش از انبوه مردم می شود» (بنت، ۱۳۸۶: ۹۹). پاسخ افراد به این نیاز، به لحاظ ذهنی اتخاذ نوعی نگرش دل زده نسبت به دیگر ساکنان کلان شهر، بی اعتنایی به آنها و غریبال کردن محرک های پیچیده و به لحاظ عینی روی آوردن به سبک های متنوع زندگی و مصرف کالاهاست.

به نظر زیمل، مصرف کالاها و ایجاد سبک های زندگی از سویی برای افراد هویت بخش بوده و از سویی دیگر متمایز کننده است (خواجه نوری و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۸). در این نگاه، سبک زندگی تجسم تلاش انسان برای یافتن ارزش های بنیادی یا به تعبیری فردیت برتر خود و شناساندن آن به دیگران می باشد. در دنیای مدرن سبک های مختلفی در معرض انتخاب فرد قرار دارد. حتی اگر کسی بخواهد مطابق با شیوه سنتی زندگی کند، ناخواسته دست به گزینش زده است. درست است که این انتخاب را خود فرد انجام می دهد اما انسان ها برای انتخاب سبک زندگی خود کاملاً آزاد نیستند. بعضاً فشارهای اقتصادی یا گروه های اجتماعی و... انسان را ناچار به انتخاب می کنند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۶۳). سبک های زندگی امکانات مختلفی هستند که افراد برای تولید و بازتولید هویت خود آنها را به کار می گیرند.

اینگلهارت تغییرات سبک زندگی را در پرتو دگرگونی های نسلی تحلیل می کند. ارزش های فردی و جمعی یک جامعه، به طور ناگهانی دچار تغییر نمی شوند. تغییرات به تدریج و به طور نامرئی اتفاق می افتد و زمانی که نسل جوان تر جایگزین نسل مسن تر در جمعیت بزرگسال یک جامعه شود، مقیاس تغییرات بیشتر خواهد بود (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۷۶-۷۷). با وجود این که اینگلهارت، صنعتی شدن و مدرنیزاسیون را دو مفهوم کلیدی در تغییرات اجتماعی و تغییرات ارزشی می داند، اما عامل اصلی تغییرات سبک زندگی را نه تغییرات اقتصادی و افزایش نسبی رفاه؛ بلکه جابجایی نسل ها معرفی می کند.

جدول ۲. جمع‌بندی دیدگاه‌های جامعه‌شناسان در ارتباط با سبک زندگی، منبع نگارندگان.

نظریه پرداز	خلاصه نظریه	کلیدواژه (در ارتباط با سبک زندگی)
۱ تورستن وبلن	سبک زندگی پدیده‌ای گروهی است که محصول تعلق طبقاتی بوده و ماهیت مستقلی نیز ندارد. به جای بررسی منطق سودگرایانه مصرف، دنبال ارایه منطق احترام‌آمیز مصرف بود.	مصرف، اصلی‌ترین راهبرد سبک زندگی. ثروت مبنای منزلت و جایگاه اجتماعی. تن‌آسایی و مصرف خودنماپانه.
۲ جرج زیمل	در جوامع مدرن فرآیند هویت فردی شده- است. بزرگترین مشکلات زندگی مدرن، حفظ فردیت در کلان‌شهر می‌باشد. مصرف کالاها و ایجاد سبک‌های زندگی از سویی برای افراد هویت‌بخش است.	مصرف گرایی جامعه مدرن. فردگرایی انسان مدرن. مفهوم مد.
۳ ماکس وبر	وبر مفهوم سبک زندگی را در ذیل مقوله منزلت به عنوان یکی از راس‌های مثلث مشهور خود (ثروت، قدرت، منزلت) تعریف می‌کرد. سبک زندگی از جنس رفتار بوده، توسط تمایلات هدایت‌شده و فرصت‌های زندگی بستر بروز آن را فراهم می‌کند.	به دست آوردن منزلت. انسیجام بخشیدن به گروه‌های اجتماعی. خرده فرهنگ.
۴ پیر بوردیو	بوردیو بنیان‌های نظری محکمی برای تحلیل پدیده مصرف آورده و با وضع مفاهیم جدید، مدلی برای ارتباط میان طبقه و منزلت بنیان نهاده است.	میدان، سرمایه، منش، عمل، نماد، طبقه و قریحه.
۵ رونالد اینگلهارت	عامل اصلی تغییرات سبک زندگی را نه تغییرات اقتصادی و افزایش نسبی رفاه؛ بلکه جابجایی نسل‌ها معرفی می‌کند.	صنعتی شدن و مدرنیزاسیون. دگرگونی نسلی.
۶ آنتونی گیدنز	مفهوم سبک زندگی فقط در جوامع مدرن و پسامدرن امکان‌پذیر است و نه در جوامع سنتی. سبک زندگی روایتگر هویت افراد در دوره مدرنیته متاخر است.	هویت شخصی. تعدد انتخاب‌ها.
۷ دیوید چانی	سبک زندگی به عنوان مشخصه‌ای از دنیای مدرن، توسط افراد جهت توصیف	نشانگر اولیه هویت. تمایز افراد از یکدیگر.

نظریه پرداز	خلاصه نظریه	کلیدواژه (در ارتباط با سبک زندگی)
	اعمال خود و سایرین مورد استفاده قرار می گیرد.	مسیر الگومند مصرف، گسترش رسانه ها.
۸ یورگن هابرماس	تمرکز بر روی مدرنیته. تحلیل تحولات اجتماعی جوامع پیشرفته سرمایه داری. تعریف فضایی تحت عنوان گستره همگانی به عنوان خاستگاه افکار عمومی.	نقش رسانه های همگانی. جامعه عقلانی. حذف موانع تحریف ارتباط.

۳. سبک زندگی اسلامی

با توجه به ماهیت، سبک زندگی هم می تواند در مفاهیم جزئی مانند شیوه نشستن کاربرد داشته باشد و هم در مفاهیم گسترده و کلی مانند مدل سبک زندگی تجویزی اسلام (مهدی زاده، ۱۳۹۷: ۱۱۶). با توجه به این که سبک زندگی اسلامی متصف به قید اسلامی است، پس تمامی جنبه های زندگی انسان را در بر می گیرد. در سبک زندگی مدرن، غرب فلسفه ای را بنیان نهاده است که در آن انسان جایگزین خداوند شده و خود را دارای اراده و قدرت نامحدود می بیند. در واکاوی اصطلاح «سبک زندگی اسلامی» اگر بر ویژگی سبک بودن آن تاکید کنیم بیشتر جنبه رفتاری داشته و ارتباط مستقیمی با شناخت و عواطف نخواهد داشت؛ اما با وجود پسوند اسلامی در این اصطلاح با توجه به ماهیت دین اسلام، نمی توان آن را بی ارتباط با عواطف و شناخت دانست. لذا در سبک زندگی اسلامی، رفتارهای انسان مورد توجه قرار می گیرد؛ اما برای این که رفتاری که مبنای اسلامی داشته باشد، باید جنبه هایی از شناخت و عواطف اسلامی را پشتوانه خود قرار دهد.

در موضوع نفس و روان انسان، فیلسوفانی از جمله ابن سینا و فارابی، به عادت اشاره داشته و آن را بخشی پر اهمیت در رابطه انسان با زندگی دانسته اند. همچنین غزالی در موضوع نفس و روان انسان، به عادت و تأثیر آن بر زندگی اشاره کرده، برای رسیدن به سعادت و موفقیت بر تمرین و تکرار به عنوان یک روش تأکید دارد. نگاه غزالی به نفس و روان انسان صرفاً یک نگاه نظری نبوده، بلکه مطالعه روان انسان در راستای تعدیل سلوک، رفتار و تعالی اخلاق صورت گرفته است (حجتی، ۱۳۶۰: ۲۹). فیلسوفان اسلامی، با تبعیت از افلاطون و ارسطو، شناخت روان انسان را منفصل از طبیعیات و ماورالطبیعه نمی دانستند و انسان را ترکیبی از جسم و روح و در ارتباط با جهان تعریف کرده اند. تفاوت دیدگاه غزالی با دیدگاه ابن سینا در این است که ابن سینا علم النفس (روان شناسی) را در زیرمجموعه امور و علوم طبیعی بررسی می کند؛ اما غزالی سعادت انسان را فارغ از تعامل با طبیعت و عقل، صرفاً در چهارچوب شریعت بررسی می کند. حسن زاده

آملی (۱۳۸۱) نیز بر این باور است که قرآن، عرفان و برهان از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند و توضیح اعمال و سلوک انسان در این چهارچوب قابل توضیح است. در نگاه غزالی انسان بین فرشته و حیوان است؛ غرایز و اعمال انسان او را از یک سو به سمت بدی‌ها و از سوی دیگر به سمت خلیفه خدا بودن سوق می‌دهد (ابراهیم‌آبادی، ۱۳۹۲: ۴۷). لذا سبک زندگی، این نیست که انسان را به سوی خوشی‌های ناپایدار دنیوی بکشانند. بلکه سبک زندگی با تقویت اراده، تقویت و تکرار کردارهای نیکو (عادات رفتاری) و پرهیز از گناه و هر نوع آلودگی ذهنی و روحی یک مسیر برای تعالی به حساب می‌آید. به این ترتیب هدایت فکر و ذهن در مسیر مناسب و عادت ندادن رفتار و صفات به اموری که در سطح نازل قرار دارند سبب تربیت درست انسان می‌شود. غزالی بر این باور است که فکر و ذهن آلوده و ناپاک ناآرامی و انحراف ذهن و روان انسان را در پی دارد و سبب گرایش انسان به رذایل می‌شود. در بین اندیشمندان معاصر دیدگاه آقای جوادی آملی به نگاه غزالی نزدیک است. ایشان ضمن ارایه نظریه تدبیر نظام اجتماعی در نظام حق‌محور که بر سه عنصر جهان‌دانی، جهان‌داری و جهان‌آرایی استوار است، به تعامل صحیح انسان‌ها با یکدیگر، آسمان، زمان و زمین اشاره دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۶۰). از اصول تعیین‌کننده رابطه انسان با خدا و محیط، تعامل متقابل بین رفتار بشر و رخدادهای نظام خلقت است. در این نگاه سبک زندگی هدف‌دار و خدامحور خواهد بود. چرا که بر اساس آیات قرآن خداوند انسان را آفرید تا ضمن عمران و آبادانی زمین، در بندگی او به سر برد. همان‌گونه که خدا راه‌های بندگی را به انسان آموخته است، راه‌های عمران و آبادانی زمین را نیز به او آموزش داده است؛ و چون این مقوله نیز از جانب خداست، بایستی هدف‌دار و خدامحور باشد.

۳-۱. معنای زندگی

در بررسی دیدگاه روان‌شناسی در خصوص سبک زندگی به موضوع معنای زندگی اشاره شد. بر اساس تعریف آدلر از سبک زندگی، معنای زندگی عنصری مهم و تعیین‌کننده در سبک زندگی شناخته می‌شود. لکن قبل از اینکه افرادی مانند آدلر یا ویکتور فرانکل به طرح این موضوع در دیدگاه روان‌شناسی سبک زندگی بپردازند، در آثار فلاسفه اسلامی از جمله فارابی، ملاصدرا، ابن سینا و علامه طباطبایی به موضوع معنای زندگی اشاره شده است. با مطالعه آیات و روایات اسلامی شواهدی بر وجود رابطه بین سبک زندگی و معنای زندگی دیده می‌شود. به عنوان مثال در قرآن کریم آثار انتخاب هدف زندگی در زندگی دنیوی و اخروی (سوره اسراء: ۱۸ و ۱۹) و ویژگی‌های افرادی که زندگی دنیوی را انتخاب کرده‌اند، بیان شده است (سوره نجم: ۲۹). همچنین با تقسیم‌بندی انسان‌ها به دو دسته اهل دنیا و اهل آخرت، چگونگی سبک زندگی آنها مقایسه شده است. با توجه به گستردگی بحث سبک زندگی از دیدگاه اسلام، حتی سبک زندگی

تمامی انسان‌های اهل آخرت نیز یکسان نبوده و در نوع عبادت و بندگی آن‌ها بر اساس معنایی که از بندگی دارند، تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد (نهج البلاغه). بر اساس آیات قرآن مجید، زندگی هدف‌دار بوده و اصلاً امکان عبث و بیهوده بودن آن وجود ندارد. خداوند ضمن تأکید بر معناداری زندگی (سوره دخان: ۳۸ و ۳۹)، هر گونه بیهوده انگاری خلقت باطل شمرده (سوره قیامت: ۳۶) و اهدافی را برای خلقت آفرینش بیان می‌کند. با توجه به آیات مختلف قرآن مجید، اهداف خلقت و آفرینش انسان به طور خلاصه عبارتند از: تعقل و اندیشه (سوره غافر: ۶۷)، شناخت قدرت خداوند (سوره طلاق: ۱۲)، امتحان انسان (سوره ملک: ۲)، بندگی خدا (سوره ذاریات: ۵۶) و بازگشت به سوی خدا (سوره مومنون: ۱۱۵).

انسان از دیدگاه قرآن کریم موجودی تک‌بعدی نبوده، علاوه بر بعد جسمانی، دارای بعد دیگری تحت عنوان بعد روحانی می‌باشد. زندگی انسان با مرگ به پایان نمی‌رسد و حیات انسان پس از مرگ نیز ادامه دارد. البته قرار نیست ویژگی‌های زندگی پس از مرگ مشابه با زندگی این دنیا باشد. آیاتی که به تبیین هدف آفرینش پرداخته‌اند هر کدام به بعدی از ابعاد معنای زندگی اشاره دارد (عجمین و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶). لذا بر همین اساس زندگی انسان در دنیا نیز دارای مراتبی است. اولین مرتبه آن حیات نباتی است که منحصر به تغذیه و رشد و نمو می‌باشد. مرتبه دوم، حیات حیوانی است؛ به دلیل وجود حرکات ارادی. و مرتبه سوم که به دلیل قدرت فکر و تعقل، حیاتی فوق حیات حیوانات می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۷). انسان با علم، ایمان، شناخت پروردگار و قطع علاقه از غیر، می‌تواند حیاتی فوق حیات سایر انسان‌ها درک کند. پس معنای زندگی از نگاه قرآن کریم ترکیبی از شناخت، نگرش، باور درونی و انگیزش است (عجمین و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷-۱۸). شناخت شامل شناخت خداوند به عنوان مبدأ عالم، شناخت دنیا و شناخت آخرت (معنای حقیقی زندگی دنیوی) است. نگرش و باور درونی با ایمان، بندگی و تسلیم بودن در برابر خداوند و انگیزش به واسطه رسیدن به بهشت و رضایت خداوند و نیز دوری از آتش جهنم شکل می‌گیرد.

۴. سبک زندگی و مسکن

بخش عظیمی از زندگی هر فرد درون خانه و مسکن وی شکل می‌گیرد. حتی مسکن تحت عنوان یک مکان شخصی، بخشی از هویت انسان را تشکیل می‌دهد. درست است که انسان‌ها برای فعالیت، و حضور در اجتماع خانه را ترک می‌کنند؛ ولی هر بار به خانه بر می‌گردند تا به نوعی هویت شخصی خود را باز یابند. لذا می‌توان گفت که هویت شخصی افراد در خانه و مسکن مستتر است (شولتز، ۲۰۰۵، ۱۴۱). این هویت شخصی درون فضای خانه برای هر فرد نسبت به افراد دیگر جامعه، متمایز بودن را سبب می‌شود؛ برداشت بوردیو، از این تمایز، معنادار بودن

زندگی است (Bourdieu, 1998, p 9). خانه به همراه اجزای کالبدی و غیر کالبدی خود، حتی نوع مبلمان و تزیینات آن، وسیله و ابزاری است که می‌تواند این تمایز و معنادار بودن را ملموس کرده و به تصویر بکشد. بررسی‌های مختلف معماری خانه نشان می‌دهد که بعضی از قسمت‌های خانه، بیشتر جنبه نمادین و معنوی دارند تا جنبه عملکردی و معمارانه. این قسمت‌ها می‌تواند زمینه‌هایی برای نمایش سبک زندگی باشد. پس ارتباط سبک زندگی و مسکن، به صورت دو طرفه بوده و هر یک می‌تواند بر دیگری اثر بگذارد. این رابطه هم در کالبد بیرونی خانه، هم در نقشه و هم در معماری داخلی خانه دیده می‌شود.

به منظور بررسی دقیق رابطه سبک زندگی و خانه، یک سری از مؤلفه‌های سبک زندگی که در ارتباط بیشتری با مقوله مسکن قرار دارند، بر اساس نظریات اندیشمندان مطرح حوزه‌های مختلف (که در بخش چهارچوب نظری بحث شد)، شناسایی و استخراج گردیدند که شامل سنت و ایدئولوژی (انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و...)، جایگاه اجتماعی، فرهنگ، تعاملات و ارتباطات اجتماعی، فعالیت‌های فردی، سطح تحصیلات، بعد خانوار، شغل و میزان درآمد می‌باشند. با توجه به دامنه گسترده این مؤلفه‌ها در ارتباط با کالبد مسکن، ابتدا آن‌ها را در چهار گروه کلی دسته‌بندی کرده، سپس به بررسی نوع و میزان رابطه آن‌ها با معماری خانه پرداخته می‌شود. مؤلفه اول (مؤلفه شغل و اقتصاد) در ارتباط با شغل افراد خانواده و نیز فعالیت‌های اقتصادی دیگر از جمله صنایع دستی و فرآوری محصولات خوراکی می‌باشد. مؤلفه دوم (مؤلفه ارتباطات اجتماعی) به موضوعات تعامل با همسایگان و مهمانان، مراسمات، برنامه‌های جمعی، فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی دسته‌جمعی می‌پردازد. مؤلفه سوم (مؤلفه فرهنگی-ارزشی) سبک زندگی شامل جنبه‌های ذهنی و معنایی سبک زندگی از قبیل ارزش‌ها، باورها، بایدها و نبایدها، ذوق و سلیقه را شامل می‌شود. (معتقدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۴). مؤلفه چهارم (مؤلفه فعالیت‌های فردی) نیز اشاره به اکثر فعالیت‌های روزمره خوردن، خوابیدن، اعمال بهداشتی، مطالعه، تفکر، ورزش عبادات فردی و... دارد.

در ادامه به مقایسه معماری خانه‌های سنتی ایران (که تحت تاثیر سبک زندگی اسلامی طراحی شده اند) با مسکن دوره پهلوی (تحت تاثیر و نفوذ سبک زندگی مدرن) با هدف تحلیل تاثیر مؤلفه‌های سبک زندگی پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است از اواخر دوره قاجار و با توجه به آشنایی با سبک زندگی مدرن، تغییر و تحولاتی در معماری خانه اتفاق افتاد؛ این موضوع در دوره پهلوی با شتاب بیشتری ادامه یافت (الهی‌زاده و سیروس، ۱۳۹۳: ۴۳). با ورود تفکر غربی به حوزه فرهنگی ایران، سبک زندگی و شکل خانه‌ها شروع به تغییر می‌کند. معماری مسکن در اواخر دوران قاجار با وجود پذیرفتن برخی تغییرات، هنوز ساختار فضایی کلی معماری سنتی ایرانی را در خود حفظ کرده بود؛ اما در زمان پهلوی با توجه به سرعت تغییر ساختار کشور و

سبک زندگی مردم، ساختار فضایی خانه‌ها نیز دچار تغییراتی شد (جانی‌پور، ۱۳۷۹: ۹۰) و اصطلاحاً تداوم معماری سنتی-اسلامی ایران شکسته شد. در این دوره با توجه به نفوذ سبک زندگی مدرن از طریق فشار حکومت و جذابیت ظاهری آن، بیشتر ساخت و سازها بر اساس اصول معماری غرب انجام گرفت و تغییراتی در معماری مسکن به وجود آمد.

۱-۴. بررسی مسکن در دو سبک زندگی اسلامی و مدرن

اول، نمای بیرونی: در خانه‌های سنتی تا دوره قاجار، نمای بیرونی خانه‌ها تفاوت زیادی با یکدیگر نداشت و بیشتر تزیینات ساختمانی در نماهای داخلی و رو به سمت حیاط خانه و نه کوچه اتفاق می‌افتاد. البته در شکل سردر ورودی، ذوق و سلیقه ساکنان دیده می‌شود ولی به دلیل پرهیز از تجمل‌گرایی و فخرفروشی (مطابق با سبک زندگی اسلامی) تفاوت زیادی در نمای خارجی خانه‌ها به چشم نمی‌خورد. از تغییرات معماری دوره پهلوی تحت تاثیر سبک زندگی مدرن، ایجاد گشایش‌های فضایی به سمت خیابان و پرکار کردن تزیینات نمای اصلی ساختمان است که با بالکن‌ها، پنجره‌های بزرگ، ستون‌های بلند در نما و ویژگی‌های معماری مدرن همراه است.

دوم، فضای ورودی: فضای ورودی در خانه سنتی خود از چند فضای کوچکتر تشکیل شده و برای حفظ حریمیت داخل خانه دارای چند مرحله است. ورود به خانه نه به شکل مستقیم، بلکه از طریق سلسله مراتب و دستگاه ورودی شکل می‌گرفت؛ حتی اگر در خانه‌های کوچک، فضاهای پیش‌ورودی از جمله هشتی و دالان وجود نداشت، جلوی درب ورودی خانه، پرده‌ای می‌کشیدند تا ساختار فضایی هشتی را تداعی کند و اجازه دید مستقیم به حیاط را ندهد (بهشتی، ۱۳۹۵: ۲۳۶). به این ترتیب مرز قلمرو درون و بیرون خانه تنها یک دیوار جداکننده نیست بلکه سلسله‌ای از فضاهای بینابینی و طیف متنوعی از قلمرو خصوصی تا عمومی را فراهم می‌آورد (تقوایی، ۱۳۹۴: ۱۸۲). در خانه‌هایی که با سبک زندگی مدرن طراحی شده اند، این فضاهای بینابینی که قلمرو شهر را به تدریج به خانه وصل می‌کردند، حذف شده و به یک دیوار (حتی در برخی موارد با بازشوهایی درون آن) و یک در تقلیل یافته اند. این امر علاوه بر کاهش میزان حریمیت خانه، حس تعلق به خانه و روابط اجتماعی همسایگی را نیز کم نموده است.

سوم، پلان: نقشه اکثر خانه‌های سنتی به شکلی است که فضای کلی خانه به دو بخش اندرونی و بیرونی تقسیم می‌شود؛ حتی هر بخش حیاط جداگانه برای خود داشته است. قسمت اندرونی برای دارای خلوت و حریمیت بیشتر بوده و برای زندگی خصوصی خانواده مخصوصاً بانوان و کودکان از آسایش و آرامش بیشتری برخوردار بوده است. بدین صورت که حیاط نقش فضای اصلی را در مرکز پلان ایفا می‌کرد و فضای مستقلی بود که پنجره‌های اتاق‌ها به آن

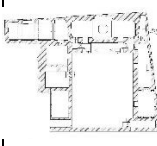
سمت بود ولی با توجه به سبک زندگی اسلامی، دید نامحرم به آن راه نداشت. همچنین آشپزخانه اصلی در اندرونی خانه قرار داشت که معمولا در زیرزمین یا گوشه‌ای از حیاط قرار می‌گرفت. اما با سبک زندگی مدرن، نماهای رو به بیرون با پنجره‌های بزرگ و سایر آرایه‌های معماری تزئین می‌شد و حریم خصوصی قسمت اندرونی خانه کمرنگ گردید. هنگامی که مهمانان نامحرمی به خانه می‌آمدند، به قسمت بیرونی خانه هدایت می‌شدند و بی آن که مزاحمتی برای سایر اهالی خانه پیش آید، در قسمت اندرونی خانه به زندگی عادی خویش ادامه می‌دادند. در خانه‌های مدرن این تقسیم بندی فضاها حذف شده و انتظام فضاها، گرداگرد هال مرکزی (به جای حیاط)، اتفاق می‌افتد (معتقدی و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۷)؛ حیاط نقش نظم‌دهنده خود را از دست داده، در ابتدا یا انتهای نقشه قرار می‌گیرد. در این حالت استقلال و حریمیت اتاق‌ها نسبت به خانه سنتی کمتر می‌شود، و فضای هال مرکزی به عنوان نشیمن خانواده استفاده می‌گردد. تضعیف نمادین نظام مردسالاری، حضور بیشتر بانوان و البته کاهش توجه به بحث حریمیت اتاق‌ها از جمله اثرات این شیوه معماری بر سبک زندگی ساکنان می‌باشد. همچنین شکل و محصوریت متفاوت حیاط خانه سنتی در مقایسه با حیاط خانه مدرن، باعث می‌شود که برخی از فعالیت‌هایی که به راحتی در خانه‌های سنتی امکان‌پذیر بودند، مانند: نگهداری دام و طیور، کارگاه قالی‌بافی و سایر صنایع دستی، خشک کردن میوه و... در خانه‌های مدرن به راحتی امکان‌پذیر نباشد. این امر خود بر سبک زندگی ساکنان به خصوص در زمینه فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی، رفتار روزمره ساکنان به خصوص زنان و کودکان و مصرف‌گرایی اثرگذار است. زنان که در سبک زندگی سنتی درون خانه، تولیدکننده نیز بودند به مصرف‌کننده صرف تبدیل می‌شوند و در کنار آن، به خاطر وقت آزاد بیشتری که پیدا می‌کنند، بحث نحوه گذران اوقات فراغت را نیز مطرح می‌نمایند.

چهارم، انعطاف‌پذیری و مبلمان: معماری خانه و فضاهاى مختلف آن، نشان‌دهنده سبک زندگی و کلیت نظام اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حاکم در جامعه است. خانه سنتی ایرانی (که منطبق بر سبک زندگی اسلامی بود) اتاق‌های بسیار داشت؛ بیشتر اتاق‌ها کاربردهای متعدد داشتند و با توجه به انعطاف‌پذیری‌شان، چندمنظوره بوده و امکان انجام چند فعالیت مختلف در هر کدام وجود داشت. این خانه‌ها دارای یک اتاق اصلی در قسمت بیرونی بوده که در آن از مهمانان پذیرایی می‌کردند و آنجا بر زمین (روی فرش یا متکا) می‌نشستند. هنگام صرف غذا سفره‌ای روی فرش پهن می‌شد و دیس‌های غذا را روی آن می‌گذاشتند. اگر مهمانان شب را می‌ماندند، از همان اتاق اصلی به عنوان اتاق خواب استفاده می‌شد و در آنجا برایشان رختخواب می‌انداختند (مهدوی، ۱۳۹۲: ۱۲۰). اتاق‌های قسمت اندرونی خانه نیز مانند قسمت بیرونی، دارای چنین کارکرد و انعطاف‌پذیری عملکردی بودند. به این ترتیب اسباب و اثاثیه خانه ایرانی، با توجه

به سبک زندگی سنتی و صرف نظر از طبقه اجتماعی، بسیار مختصر بود. با توجه به عدم استفاده از میز در مبلمان اندرونی خانه، اشیایی از قبیل شمعدان‌ها، پارچ و لیوان‌ها، استکان‌ها و نعلبکی‌ها، ظرف‌های میوه و سایر ظرف‌های چینی و بلور را روی طاقچه‌ها قرار می‌دادند. «در اتاق‌ها به جز یک یا چند صندوق که زنان زیورآلات قیمتی، فنجان‌ها، ظرف شکر و آینه‌ای که جزو جهیزیه‌شان بود را در آن می‌گذاشتند، چیز دیگری نبود. مجموعه‌ای از چند عدد پشتی، لحاف و تشک بود، که همه آن‌ها تا شده و در چادر شب، بقچه‌بندی و هنگام صبح به کناری گذارده می‌شد و شب‌ها پهن می‌گردید. هر گوشه اندرونی، اتاقی داشت که صندوق‌خانه (پستو) می‌نامیدند که در آنجا زنان البسه و دیگر لوازم شخصی خویش را در گنج‌ها می‌گذاردند و در طول روز رختخواب‌ها را قرار می‌دادند» (مهدوی، ۱۳۹۲: ۱۲۱). بنابراین در خانه قاجاری یک اتاق به دلیل منعطف بودن فضا و مبلمان، در طول بیست و چهار ساعت شبانه‌روز قابل استفاده بود. اما به تدریج و با تأثیرات سبک زندگی مدرن، اهمیت فرش در خانه کمتر شد؛ مبلمان جدیدی به نام صندلی وارد خانه‌ها شد و روی زمین نشستن منتفی شد. اتاق‌هایی که با میز و صندلی مبله شده بودند، با توجه به اینکه میز و صندلی را مانند سفره نمی‌توان جمع کرد، دیگر فضاهای انعطاف‌پذیر گذشته نبودند و هر مبلمان بایستی قسمتی از فضای خانه را اشغال می‌کرد؛ بدین معنا که مبلمان خانه ایرانی و در نتیجه فضاهای آن، از حالت انعطاف‌پذیر به حالت صلب و غیرقابل انعطاف تبدیل شدند (جانی‌پور، ۱۳۷۹: ۴۲). به همین دلیل پس از این دوران، یک خانواده در خانه‌ای با متراژی مشابه با خانه‌های قاجاری، از کیفیت و ساختار فضایی مسکن خود راضی نیست؛ در حالی که یک خانواده ثروتمند تا اواخر قاجاریه در خانه‌ای با همان متراژ، زندگی مجللی داشته است. دیگر فضاها نه بر اساس نیاز ساکنان بلکه بر اساس امکانات مالی آن‌ها شکل می‌گرفت.

جدول ۳. معرفی خانه‌های سنتی و مدرن مورد مطالعه، منبع نگارندگان.

نام خانه	نوع تاریخی	سبک زندگی	پلان (نقشه)	ورودی تصویر	چهار تصویر از	فضای داخلی
۱- خانه ختایی	قاجار	اسلامی				

				اسلامی	قاجار	خانه حاج شیخ	۲
				مدرن	پهلوی	خانه شهریار	۴
				مدرن	پهلوی	خانه گاسپاریان	۶

نتیجه گیری

سبک زندگی مدرن (چه از دیدگاه روان‌شناسان و چه از دیدگاه جامعه‌شناسان غربی)، تفاوت‌های عمده‌ای با سبک زندگی اسلامی دارد. این تفاوت‌ها ذیل عنوان معنای زندگی خود را نشان می‌دهد و بر روی مولفه‌های سبک زندگی از جمله اخلاق اثر می‌گذارد. در سبک زندگی اسلامی هم اهداف و هم روش‌ها، تماماً معطوف به توحید و عبادت هستند. به منظور بررسی دقیق رابطه سبک زندگی و خانه، یک سری از مؤلفه‌های سبک زندگی که در ارتباط بیشتری با مقوله مسکن قرار دارند، استخراج گردیدند که عبارتند از: مولفه اول: شغل و اقتصاد؛ مولفه دوم: مولفه ارتباطات اجتماعی؛ مولفه سوم: مولفه فرهنگی-ارزشی و مولفه چهارم: مولفه فعالیت‌های فردی.

نتایج بررسی‌ها اولاً جایگاه ویژه سبک زندگی در معماری خانه را نشان می‌دهد. بدین معنا که هم بسیاری از فضاهای خانه، تزیینات، نقشه و ارتباط فضاها با یکدیگر، تحت تاثیر سبک زندگی شکل گرفته اند؛ هم نحوه معماری خانه می‌تواند بر نوع رفتار و سبک زندگی ساکنان خانه اثر بگذارد. ثانیاً در گذشته خانه‌های سنتی ایران انطباق بیشتری با سبک زندگی اسلامی داشتند. فضاهای خانه انعطاف‌پذیر بودند و با توجه به سبک زندگی اسلامی تقسیم‌بندی و استفاده می‌شدند. در حالی که با ورود سبک زندگی مدرن و مصرف‌گرایی، دیگر فضاها نه بر اساس ارزش‌های اخلاقی و سبک زندگی اسلامی، بلکه بر اساس امکانات مالی و سبک زندگی مدرن شکل می‌گرفت. همچنین با توجه به جنبه نمادین بعضی از قسمت‌های خانه (مانند نمای بیرونی)، در سبک زندگی مدرن این قسمت‌ها می‌تواند زمینه‌هایی برای نمایش ثروت، جایگاه اجتماعی و فخرفروشی صاحب خانه باشند. در حالی که در خانه‌های سنتی، با توجه به اصول اخلاقی قناعت، پرهیز از اسراف و تفاخر بیرون خانه کمتر تزئین می‌شد. بنابراین بایستی سبک زندگی اسلامی به گونه‌ای عملی خود را در خانه‌سازی معاصر ایران نشان دهد و خانه‌ها با توجه به مولفه‌های سبک زندگی اسلامی که بدان اشاره شد، ساخته شوند.

فهرست منابع

۱. ابراهیم‌آبادی، حسین (۱۳۹۲)، رویکردی میان‌رشته‌ای به سبک زندگی با نگاهی به جامعه ایران، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره پنجم، شماره ۴ پاییز، صص ۳۳-۵۳.
۲. الهی‌زاده، محمدحسن و راضیه سیروس (۱۳۹۳)، الگوی مسکن بر پایه سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی دینی، سال اول، پیش‌شماره ۱.
۳. اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.
۴. بنت، اندی (۱۳۸۶) فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه: حسن چاوشیان و لیلا جوافشانی، تهران: اختران.
۵. بهزاد، محمد و همکاران (۱۴۰۱)، چگونگی ترابط عرفان و سیاست در سبک زندگی قرآنی و سبک زندگی مدرن، انسان پژوهی دینی، سال نوزدهم، شماره ۴۷، صص ۲۲۳-۲۴۳.
۶. بهشتی، سید محمد (۱۳۹۵)، یادداشت فنی: خانه از آغاز پهلوی اول تا دهه چهل شمسی، مطالعات معماری ایران، شماره ۱۰، پاییز و زمستان، صص ۲۴۳-۲۲۹.
۷. جانی‌پور، بهروز (۱۳۷۹)، سیر تحول معماری مسکن تهران در دوران پهلوی، پایاننامه دکتری رشته معماری، استاد راهنما دکتر سید امیر منصوری، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، مفاتیح‌الحیاه، قم: اسرا.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۲۰۰۶)، حق و تکلیف در اسلام، قم: اسرا.
۱۰. حجتی، سید محمدباقر (۱۳۶۰)، روان‌شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی، تهران: فرهنگ اسلامی.
۱۱. خواجه‌نوری، بیژن و دیگران (۱۳۹۰)، سبک زندگی و مدیریت بدن، جامعه‌شناسی زنان، سال دوم، شماره ۴، صفحه ۲۱-۴۷.
۱۲. زیمل، گئورگ (۱۳۷۲)، کلانشهر و حیات ذهنی، ترجمه یوسف ابادری، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳.
۱۳. شولتز، ک. ن (۲۰۰۵)، مفهوم سکونت به سوی معماری تمثیلی. ترجمه محمود یاراحمدی، تهران: آگه.
۱۴. عجمین، محمد و ابوالقاسم بشیری و رحیم نارویی نصرتی (۱۳۹۶)، ارتباط معنا و سبک زندگی در گستره قرآن کریم و نقد دیدگاه ویکتور فرانکل، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال پنجم، شماره نهم، صص ۲۹-۹.
۱۵. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۰)، درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای، تهران: سرآمد.
۱۶. فروم، اریک (۱۳۷۰)، انسان برای خویشتن، ترجمه اکبر تبریزی، تهران: بهجت.
۱۷. فیست، جس و گرگوری فیست (۱۳۹۵)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: نشر روان.
۱۸. کاویانی، محمد (۱۳۸۸)، طرح نظریه سبک زندگی بر اساس دیدگاه اسلام و ساخت آزمون سبک

- زندگی اسلامی بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آن، پایان‌نامه دکتری، اصفهان: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.
۱۹. کاویانی، محمد (۱۳۹۰)، کمی‌سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی، روان‌شناسی دین، سال چهارم، شماره ۲، صفحه ۲۷-۴۱.
۲۰. کمال مهریزی، مژگان و همکاران (۱۴۰۱)، تحلیل شخصیت بلبل در منظومه هنرستان عالی مرغان ریاضی یزدی بر اساس نظریه عشق اریک فروم، مطالعات زبان و ادبیات غنایی، سال دوازدهم، شماره ۴۳، صص ۸۲-۹۶.
۲۱. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵)، تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
۲۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱، فلسفه اخلاق، تهران: چاپ و نشر بین الملل.
۲۴. معتقدی، فاطمه و همکاران (۱۴۰۰)، تأثیر تفاوت‌های کالبدی خانه سنتی و خانه شرکتی آبادان بر سبک زندگی ساکنان، هویت شهر، شماره ۴۸، صص ۹۲-۷۹.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. مهدوی، شیرین (۱۳۹۲)، نگاهی به زندگی روزمره مردم ایران در اواخر عصر قاجار، ترجمه حسین احمدزاده نودیجه، پیام بهارستان، شماره ۱۹، بهار، ۱۳۲-۱۱۴.
۲۷. مهدی‌زاده، حمید (۱۳۹۷)، بازتبیین سبک زندگی در گستره روان‌شناسی جامعه‌شناسی و اسلام، تحقیقات بنیادین علوم انسانی، شماره پیاپی ۱۳، صص ۹۱-۱۲۴.
۲۸. وبلن، تورستین (۱۳۸۳)، نظریه طبقه مرفه، ترجمه فرهنگ ارشاد، نشر نی.
۲۹. وتلینگ، جیمز (۲۰۱۳)، طراحی مسکن بر پایه سبک زندگی، ترجمه حبیب قاسمی، مشهد: کتابکده کسری.
۳۰. یونگ، کارل گوستاو (۱۳۹۵)، انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمود سلطانیه، تهران: دیبا.
31. Adler, A, (1956), the Individual Psychology of Alfred Adler, New York: Basic Books.Inc.
32. Bourdieu P. Practical Reason: on the theory of action. California: Stanford University press;1998.
33. Clark, David.(2003), the consumer society and postmodern city, Routledge.
34. Giddens A. Modernity and Self Identity: Self and Society in the Late Modern.Age. California: Stanford University Press;1995.
35. Richman, joseph (2001), Humor and Creative Life Styles, AMERICAN JOURNAL OF PSYCHOTHERAPY, Vol. 55, No. 3, pp 420-428.
36. Schulz C N..The Concept of Dwelling: on the way to figurative architecture..New York: Electa;1984.
37. Westin A. Privacy and freedom. New York: Ballantine;1970